

اریشه سیاه مارینی (Ma Rainey's Black Bottom) / آگوست ویلسون
(August Wilson) / ترجمه زهرا ماحوزی / مدیر هنری و طراح جلد: سیاوش
تصاعدیان / چاپ اول / ۱۳۹۲ تهران / ۱۱۰۰ نسخه / چاپ و صحافی: پردیس دانش /
شاپک ۶_۹۱_۵۱۹۳_۶۰۰_۹۷۸ / فروشگاه: تهران. خیابان انقلاب. بین فروردین و فخر
رازی. پلاک ۱۲۷۴ / تلفن فروشگاه: ۰۲۱-۶۶۴۶۳۵۴۵ / تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۳۶۱۷ / تلفکس: ۰۲۱-۶۶۹۶۳۶۱۶

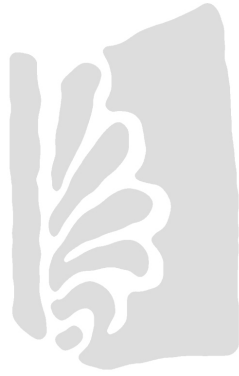
/ www.bidgol.ir /

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است /

هرگونه اجرا یا اقتباس از این اثر منوط به اجازه رسمی از ناشر یا مترجم است /

انتشر بیگل | Bidgol Publishing co. |

انتشر بیگل



شخصیت‌ها: **نشر بیدگل**

Sturdyvant	استردی وِنت
Irvin	اروین
Cutler	کاتلر
Toledo	تولیدو
Slow Drag	اسلودِرگ
Levee	لووی
Ma Raine	مارینی
Police man	پلیس
Dussie Mae	داسی مایی
Sylvester	سیلوستر

۱ | پردهٔ اول

(چراغ‌های استودیو روشن می‌شود و اروین در حالی که میکروفونی در دست دارد، وارد می‌شود. او مردی قدبلند و فربه است که مدعی است سیاه‌ها را خوب می‌شناسد و می‌داند با آن‌ها چطور رفتار کند و از این بابت هم سخت به خود می‌نازد. میکروفون را روی پایه می‌گذارد و در آن فوت می‌کند و تلنگری می‌زند و... بعد از آن، سراغ پیانو می‌رود، درش را باز می‌کند و با انگشت‌هایش چند کلید را لمس می‌کند. استردی‌ونت^۱ در اتاق نگاهیانی دیده می‌شود. سرگرم شمردن پول‌هایش است. او ابداً کشتی به موسیقی سیاهان و علایقشان ندارد، خودش را درگیر این جور چیزها نمی‌کند. هدفونی را بر می‌دارد و روی گوش‌هایش می‌گذارد.)

استردی‌ونت: (از داخل بلندگو) اِروی... می‌خواهی یه مشت و مالی به

۱. یک نام خانوادگی انگلیسی است که حرف «او» در این اسم نزدیک به حرف «میم» و گاهی «ف» تلفظ می‌شود. عده‌ای از استردی‌ونت‌های انگلیسی در قرن هفدهم به آمریکا مهاجرت کردند که ظاهراً شخصیت نمایشنامه‌ما هم یکی از نوادگان آن‌هاست و اروین اغلب او را به نام کوچکش (بل) صدا می‌زند. م.

این میکروفونه بدیم؟ ها؟ بیا یه چک بکنیم.
 (اروین سراغ میکروفون می رود و در آن حرف می زند).
اروین: آزمایش می شه... یک... دو... سه (اکوی صدا خیلی بلند است و استردی ونت هم الکی با دکمه ها ور می رود) آزمایش می شه... یک... دو... سه... آزمایش می شه. صداش چطوره مل؟ (استردی ونت جواب نمی دهد) آزمایش می شه... یک... دو (استردی ونت هدفون ها را از گوشش درمی آورد) خب، این هم از آزمایش. صداش خوبه. (مکت). اروی تو اون لیست رو داری؟
اروین: آره دارمش. این قدر الکی جوش نزن.
استردی ونت: ببین، اروی... حدشو بهش نشون می دی. باشه؟ من تو رو مسئول این کارای اون می دونم. اگه باز شروع کنه مسخره بازی دربیاره...
اروین: حالا چرا از پشت این بلندگوی لعنتی؟! می خوای با من حرف بزنی... در خدمتم! فقط من از پشت این بلندگوی لعنتی هیچ حرفی با تو ندارم... یا حضرت مسیح!
استردی ونت: ببین... هیچ الم شنگه ای تو کت من نمی ره. گوش می کنی اروی؟ (اروین سراغ پیانو می رود و بی آنکه حواسش جمع باشد کلیدهای پیانو را چک می کند). فقط بگم که تحملشو ندارم. ازت می خوام حدشو بهش نشون بدی. اروی؟ (استردی ونت از اتاق کنترل بیرون می آید). گوش کن اروی! تو مدیر برنامه شی. مسئولیتش با توه...
اروین: باشه، باشه مل. بذار من خودم اوضاع رو جمع و جور می کنم.

استردی‌ونت: مسئولیت این زنیکه با توئه. این اسمای دهن پرکن صدمن
یه‌غاز هم تو کت من نمی‌ره... چه می‌دونم ملکه بلوز و
این چرندیات!

اروین: مادر بلوز. مل! مادر بلوز.

استردی‌ونت: من کاری ندارم چه اسمی رو خودش گذاشته. این چیزا
تو کت من نمی‌ره. فقط می‌خوام بیارمش اینجا... اون
آهنگای تو لیست رو ضبط کنم... بعد هم بندازمش
بیرون. دقیق! مثل کار ساعت. افتاد؟

اروین: مثل کار ساعت. فقط تو سرت تو کار خودت باشه،
بذار من خودم همه چی رو حلش می‌کنم.

استردی‌ونت: آره... آره... تو دفعه قبل هم همه چی رو خودت حل
کردی. یادته؟ همچین اینجا جولون می‌داد که انگار
این خراب شده ارث باباشه. با آهنگایی که ما انتخاب
می‌کردیم حال نمی‌کرد، می‌گفت گلوش خشک شده...
عشقش نمی‌کشید بیشتر کار کنه...

اروین: می‌دونم، باشه. خودم اونجا بودم. همه چی رو می‌دونم.

استردی‌ونت: هی غر می‌زد هوا سرده... پاش گیر می‌کرد به سیم
میکروفون بعد منو تهدید می‌کرد می‌ره شکایت می‌کنه...
فکر می‌کنی این معنی‌اش اینه که تو داشتی همه چی رو
راست و ریست می‌کردی؟

اروین: این دفعه همه چیزو ردیف کردم. دیشب زنگ زد
بهش، گلوش هیچ مشکلی نداشت... آهنگا رو با هم
مرور کردیم... همه چیزو ردیف کردم مل.

استردی‌ونت: اروی، اون شیپورزنه... همون که اون آهنگا رو بهم

داد... اونم امروز می آد دیگه؟ خوبه! من می خوام اون جور صداها رو بیشتر بشنوم. زمونه داره عوض می شه. حالا دیگه این تجارت کلی چاله چوله داره. ما باید یه دستی به سر و گوشش بکشیم و نونوارش کنیم... یه کار تازه ای رو کنیم. می دونی، یه جور هنر وحشی... پر ضرب. (سکوت) می دونی دیشب چی رو گذاشتیم بیرون اروی؟ آشغال رو گذاشتیم بیرون. آشغال بودن دیگه. خودم هم نمی دونم چرا هنوز دارم زحمت این جور کارا رو به خودم می دم.

اروین: مل دفعه قبل تو کارت رو خوب انجام دادی. البته به

خوبی دفعه های قبل تر نبود، ولی خوب بود.

استردی ونت: می دونی چندتا نوار تو نیویورک فروختیم؟ برگه ها رو

بیارم که آمارشو ببینی؟ تازه، می دونی نیویورک چی داره اروی؟ هارلم! محله هارلم تو نیویورکه.

اروین: باشه ما تو نیویورک چیزی نفروختیم. ولی بین! ممفیس..

بیرمنگام... آتلانتا... یا مسیح! پولی به جیب زدیا!

استردی ونت: مسئله پولش نیست اروی. می دونی دیشب نتونستم

چشم به هم بذارم؟ این تجارت رو اعصاب منه. زخم

هی به پر و پام می پیچه که یه مدت ول کنم و برم تو فاز

استراحت. فقط دو سال دیگه... بعدش می کشم کنار.

می زخم تو یه کار آبرومند. منسوجات مثلاً! کار آبرومند

یعنی همین. می دونی با یه کشتی پُر منسوجات ایرلندی

چی کار می شه کرد؟

(صدای زنگ از خارج صحنه شنیده می شود)

اروین: چطور به بری بالا که من اینجا به کارم برسیم؟

استردیونت: فقط یادت باشه... مسئولیت این زنیکه با توئه.

(استردیونت به اتاق کنترل برمی گردد و اروین می رود در را باز کند. کاتلر، اسلو درگ و تولیدو باهم وارد می شوند. کاتلر درست مثل بقیه تازه واردان در میانه پنجاه سالگی است، او نوازنده گیتار و ترومبون و در ضمن سرپرست گروه است، احتمالاً برای اینکه از بقیه شان معقول تر است. اجرایش خشک است و کارش هیچ آوا افزایی ندارد و همه ادراک او از موسیقی تنها منحصر به همان تار صوتی است که در لحظه نواختن با آن درگیر است. تمام ویژگی های انسانی گوشه گیر و انزواطلب را دارد، الا خوداندیشی. اسلو درگ، نوازنده بیس، احتمالاً دلزده ترین این مردها از زندگی است. او شبیه کاتلر است بی آنکه انرژی او را داشته باشد. به شکل فریبنده ای باهوش است، با وجود این، همان طور که اسمش کنایه می زند، کند و خموده به نظر می رسد. مرد نسبتاً درشت اندامی است با لبخندی شیرین. نبض یک ضرب اصیل و موروثی آفریقایی در نوازندگی اش می زند. اجرای آسوده اش در این زمانه سخت تکان دهنده به نظر می رسد. تولیدو نوازنده پیانوست. وقتی که پای قبضه کردن سازش در میان است خوب می فهمد که هر محدودیتی در سازش به معنای گسترش و انعطاف خود او در برابر این محدودیت است. او تنها عضو این گروه است که سواد خواندن دارد. آدمی خودآموخته و بی استاد است، اما در فهم و

۱. اسم او Slow Drag به معنای تحت اللفظی «رقص آهسته» است، که هم به نوعی موسیقی «رگتایم جاز آمریکایی» اطلاق می شود که برای رقص نوشته شده و هم به رقص مربوط به آن. م.

به کارگیری دانشش دچار سوء تفاهم‌هایی است. با این همه او به سرعت می‌تواند به قلب موقعیت رخنه کند و بینش او همواره محرک ادراک اوست. همهٔ مردها به‌شکلی لباس پوشیده‌اند که برازندهٔ یک گروه موسیقی برجستهٔ آن عصر است.)

اروین: احوال بر و بچه‌ها؟ بیا تو کاتلر (سکوت) «ما» کجاست پس؟ با شما نیست؟

کاتلر: نمی‌دونم آقای اروین. گفت ساعت یک اینجاست. فقط همین قدر می‌دونم.

اروین: شیپورزنتون چی؟ اون هم با «ما» می‌آد؟

کاتلر: قرار بود لووی هم با من و بچه‌ها سر یه ساعت اینجا باشه. فکر کنم الانا پیداش بشه، ولی مطمئن نیستم.

اروین: باشه، بیاید... بیاید اتاق گروه رو بهتون نشون بدم. اینجا می‌تونید مستقر بشید و تمرین کنید. گرسنه‌تون

نیست؟ بذارید زنگ بزنم به این ساندویچی یه بگم چند تا ساندویچ بفرسته. تا غذاتونو بخورید می‌تونید برای کار هم آماده بشید. کاتلر... این لیست آهنگاست.

استردی‌ونت: (از بلندگو) اروی! چی شده؟ «ما» کجاست؟

اروین: همه چی تحت کنترله. حواسم به همه چی هست.

استردی‌ونت: «ما» کجاست؟ چی شده که با بچه‌های گروه نیومده؟

اروین: چند دقیقهٔ دیگه پیداش می‌شه. حالا بذار بچه‌ها رو

ببرم اتاق گروه. باشه؟ (آن‌ها از استودیو خارج می‌شوند

و چراغ‌های استودیو خاموش و چراغ‌های اتاق گروه روشن

۱. اسم کوچک مارینی یا «ما» همه جا در گیومه آورده شده است تا از ضمیر جمع متکلم فارسی متمایز شود. م.

می‌شود. اروین از سر راهشان کنار می‌رود تا رد شوند. خب بچه‌ها شما برید سر تمرین. من هم هر وقت مارینی او مد خبرتون می‌کنم.

(اروین خارج می‌شود و کاتلر لیست آهنگ‌ها را به تولید می‌دهد.)

تولیدو: (برگه را می‌خواند) خب چیزایی که اینجا داریم... «به من

ثابت کن»... «با تو حرف می‌زنم، صدای مرا بشنو»...

«ریشه سیاه مارینی»... و «بلوز نور ماه».

کاتلر: آقای اروین کجا رفت؟ اینا که اونی نیست که «ما»

به من گفت.

اسلودرگ: کاتلر من اگه جای تو بودم خودمو واسه این چیزا جر

نمی‌دادم. اینا خودشون حلش می‌کنن، «ما» می‌آد حلش

می‌کنه.

کاتلر: من فقط نمی‌خواستم بامبولی ازش در بیاد، همین. «ما»

آهنگای اینا رو به من نگفته بود. یه چیز دیگه گفته بود.

اسلودرگ: چی بهت گفته بود؟

کاتلر: این «بلوز نور ماه» توش نبود. این یکی از آهنگای بسی‌یه.

تولیدو: اسلودرگ راست می‌گه. من هم بودم سر این چیزا

مغزمو فر نمی‌دادم... بذار خودشون راست و ریستش

می‌کنن.

کاتلر: لووی می‌دونه ساعت چند باید بیاد؟

اسلودرگ: لووی رفته اون چهار دلار تو رو به باد بده. امروز

صبح از هتل زد بیرون گفت داره می‌ره کفش بخره.

انگار اولین باره که با این چاچول بازی تو رو می‌اندازه

تو هچل!

کاتلر: می‌دونه چه ساعتی باید اینجا باشه؟ الان فقط همین رو می‌خوام بدونم. فکر الان پیش هیچ چهار دلاری نیست.

اسلودرگ: شک نکن فکر لووی پیشش هست. اون چهار دلار تا قرون آخرش دود می‌شه می‌ره هوا.

کاتلر: هرچی! قرار بود رأس ساعت یک اینجا باشه. رأس همون ساعتی که «ما» گفته. بعد این کاکاسیاه با چهار دلار زده تو خیابون، گم و گور شده! تو باید دیشب تو کلاب می‌دیدیش تولیدو. داشت سعی می‌کرد سر صحبت رو با اون دختره که دوست «ما» بود باز کنه. لازم نیست اینا رو به من بگی. خودم این اخلاقای لووی دستمه.

(صدای زنگ از خارج صحنه به گوش می‌رسد.)

اسلودرگ: لووی داشت سعی می‌کرد سر صحبت رو با اون دختره باز کنه ولی حالش گرفته شد. دختره محل سگ بهش نمی‌داشت. بعدش هم به لووی گفت اگه می‌خواد باهاش اختلاط کنه باید قبلش بره پولشو سبز کنه.^۱

کاتلر: اون دختره به همه رو می‌ده که مگه چیز دندون‌گیری گیرش بیاد. همه هم می‌دونن.

1. She told levee he'd have to turn his money green.

در حال حاضر پول سبز "green money" در زبان انگلیسی یک اصطلاح اقتصادی است که غالباً به پول حاصل از درآمد تجارت اسلامی (بانک‌های اسلامی) اطلاق می‌شود، ولی در سال‌های ۱۹۳۰ در آمریکا به دلار آمریکایی اطلاق می‌شد. "I will turn your money green" یا «من پولت را نقد می‌کنم» اسم یک ترانهٔ معروف سبک بلوز آمریکایی بود که فری لوییس در ۱۹۲۸ اجرا کرد. در آن زمان سیاه‌پوستان غالباً برای نقد کردن چک‌ها و اوراق مالی‌شان در دسر داشتند و معمولاً فروشنده‌ها فقط پول نقد را از آن‌ها قبول می‌کردند. م.